

یومی الأول فی الإسلام
اولین روز من در اسلام

اولین روز من در اسلام

به نام الله بخشنده و مهربان

مقدمه

ستایش الله را که پیامبر محمد ﷺ را به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاد، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و بی شریک است، معبود پیشینیان و آیندگان است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، که آخرین پیامبران و رسولان است. درود و سلام بسیار الله بر او تا قیامت باد. اما بعد:

همه مردم در جستجوی خوشبختی هستند؛ برخی این خوشبختی را در پول می بینند و برخی زیر نور شهرت و برخی در مناصب بالا یا دیگر لذت های زندگی. اما واقعیت گواهی می دهد که بسیاری از کسانی که به این چیزها دست یافته اند به آن سعادت که مد نظرشان بود نرسیده اند.

این خوشبختی دست یافتنی نیست مگر آن هنگام که به دین حق الهی که خالق انسانها برای ما برگزیده هدایت یابیم، و آن را بپذیریم و بر اساس تعالیمش به پیش برویم. تنها اینگونه به سعادت و حیات طیبه در دنیا و سعادت ابدی در آخرت خواهیم رسید. الله تعالی می فرماید:

﴿مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

{آری هر کس که خود را با تمام وجود به الله تسلیم کند و نیکوکار باشد، مزد او پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد}.

[بقره: ۱۱۲]،

و می فرماید:

{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}

{هر کسی که کار شایسته ای انجام دهد، [خواه] مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم، و مسلماً پاداششان را به [حسب] بهترین اعمالی که انجام می دادند؛ به آنها می دهیم}.

[نحل: ۹۷].

و تو ای برادر گرامی با وارد شدن به اسلام گام در راه هدایت و نور و سعادت و سرور گذاشته ای، بنابراین باید مطمئن باشی که روز مسلمان شدنت مانند هیچ روز دیگری از زندگی ات نیست. این روز، روز تولد جدیدی برای توست!

اگر روز تولد از تاریکی رَحِم مادر و تنگنای آن به نور دنیا و وسعتش پا گذاشتی، امروز از تاریکی کفر به نور ایمان و از تنگنای گمراهی به وسعت هدایت آمده ای. الله تعالی می فرماید:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾

{آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده گردانیدیم و
برایش نوری قرار دادیم تا با آن در میان مردم گام بردارد
چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن
بیرون آمدنی نیست}.

[انعام: ۱۲۲].

پا گذاشتن شما را به عرصه وسیع اسلامی خوش آمد می
گوییم، و این کتابچه را تقدیم شما می کنیم که شامل امور مهم
و اصول و بزرگی است، که شایسته است در نخستین روز
اسلامت با آنها آشنا شوی.

پیش در آمد:

اسلام همان دین حق است:

دین است همان دین برحق است که الله تعالی برای همه
مردم پسندیده است، و همان دینی است که جز آن نزد الله
پذیرفته شدنی نیست. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

{همانا دین [پذیرفته شده] نزد الله، اسلام است}

[آل عمران: ۱۹]،

پروردگار جل و علا می فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخُسِرِينَ﴾

{هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است}.

[آل عمران: ۸۵].

هرکس اسلام بیاورد و به آن تمسک جوید در راه نور و هدایت در حال حرکت است؛ راه مستقیم و واضح آشکاری که به الله منتهی میشود. به پروردگاری که انسان را آفریده و در این زندگی قرار داده است.

اسلام برای صلاح حال انسان و آرامش و خوشبختی او در زندگی دنیا آمده است، همینطور برای سعادت و رستگاری او در زندگی آخرت پس از مرگ، هنگامی که الله او را به بهشت وارد می سازد تا از خوشی ابدی آنجا لذت برد.

بر هر انسانی لازم است که در جستجوی دین حق یعنی همان اسلام باشد، و با آن آشنا شود، و با ایمان به این دین وارد شود، و به تعالیم و احکامش پایبند باشد، تا خیر دنیا و آخرت را به دست آورد.

اما انسان چگونه اسلام بیاورد؟

انسان با گفتن «اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا رسول الله» با صدق و یقین و آگاهی از معنای آن وارد اسلام می شود. پس هر که این سخن را با علم به معنای آن به زبان

آورد و در گفتنش صادق باشد و به معنای آن یقین داشته باشد و آن را عملی کند به اسلام داخل شده است. سپس لازم است که بقیه اعمال اسلام را بیاموزد و به اندازه توانش به آن عمل کند، و هر چه عملش بیشتر شود ایمانش نیز بیشتر می شود و پاداشش نزد الله تعالی بزرگتر می شود.

معنای شهادتین (اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا رسول الله):

تو با گفتن «اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا رسول الله»، اگر از روی ایمان و راست شمردن آن باشد وارد اسلام شده اید، اما آیا حقیقت معنایش را می دانی؟

- معنای شهادت دادن به لا اله الا الله: باور و اقرار به این است که هیچ خدایی شایستگی عبادت و طاعت را ندارد جز خدای یگانه، که همان الله سبحانه و تعالی است، که خالق هستی و مدبر امور آن است.

- و معنای شهادت دادن به این که محمد فرستاده الله است: اعتقاد و اقرار به این است که محمد بنده الله و آخرین فرستاده اوست، که به سوی همه مردم فرستاده شده است، و باید به مقتضای این رسالت عمل کرد؛ یعنی در آنچه امر کند از او اطاعت کنیم، و از آنچه نهی می کند دوری کنیم، و الله را عبادت نکنیم مگر بر اساس آنچه او مشروع ساخته است.

برای مسلمان شدنت، بشارت باد:

برادر و خواهر گرامی، روزی که وارد اسلام شدی مطلقاً
بهترین روز زندگی توست، زیرا ثابت است که پیامبر ما
محمد - صلی الله علیه وسلم - فرمودند:

«الإسلام يَهْدِم ما قَبْلَهُ» «اسلام هر آنچه قبل از آن بوده را از
بین می برد»

به روایت مسلم،

یعنی اسلام آوردن، هر آنچه قبل از اسلامت بوده از جمله
کفر و بدی ها و گناهان را پاک می کند، پس برای مغفرت
الهی شاد باشد، زیرا تو امروز از گناهانت پاک می شوی، و
صفحه ای سفید در زندگی ات باز می شود، تا مانند روز
تولدت پاک برگردد، و زندگی جدیدی را پر از خیر و نیکی
آغاز کنی، و در مسیر نور و سعادت و سرور گام برداری.

شادی برای نعمت اسلام:

شادی بزرگی که هنگام مسلمان شدن احساس کردی باید
در همه زندگی همراه شما باشد، زیرا نعمت هدایت از گرامی
ترین نعمت ها و از بزرگترین منتهایی است که الله بر بندگان
می گزارد، زیرا این نعمت از نعمت هوا و آب و غذا و
نوشیدنی و از مال و منصب و جاه برتر و بزرگتر است و
بلکه مطلقاً بزرگترین نعمت است، پس چگونه می توان
برایش شاد نشد؟! الله تعالی می فرماید:

{قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ}

{بگو: [مؤمنان] باید به بخشش و رحمت الله شادمان شوند که این [نعمت] از آنچه می اندوزند بهتر است}.

[یونس: ۵۹].

پس باید فضل الله را احساس کنی، و این را حس کنی که الله تو را از بین میلیونها انسان برگزیده تا به اسلام در آیی. الله تعالی می فرماید:

{فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ}

{پس هر که را الله هدایتش را بخواهد سینه اش را برای اسلام می گشاید}.

[انعام: ۱۲۵]،

و این نعمت بزرگ نیازمند شکر بسیار است، پس باید بسیار حمد و شکر الله را به جای بیاوری و او را ثنا بگویی که تو را به این دین درست هدایت کرد.

اصولی که باید دانست:

وقتی وارد دین اسلام شدی اموری هست که باید با آن آشنا شوی، از جمله آن شناخت پرسش به سه پاسخ مهمی که هر انسانی پس از مرگش باید به آن پاسخ گوید، و همین سه پاسخ است که سرنوشت تو را در ابدیت تعیین می کند؛ یا به سوی بهشت و یا به سوی دوزخ. این سه پرسش اینهاست:

- پروردگارت کیست؟

- دینت چیست؟

- پیامبرت کیست؟

اصل نخست: پروردگارت کیست؟

پروردگار من الله است:

مسلمان معتقد است که پروردگار او «الله» است، که این جهان را با هر آنچه در آن هست آفرید و انسان را خلق کرد.

ما نیز اگر در این هستی بسیار عظیم و کهکشان های با عظمتش بیندیشم که حاوی میلیاردها سیاره و ستاره است، و اگر در این زمینی که بر آن زندگی می کنیم و تپه ها و کوه هایش و خشکی ها و دریا هایش و موجودات شگفت آوری که در اعماق دریاها و صحراها و جنگلها زندگی می کنند اندیشه کنیم، و در آفرینش شگفت انسان و دیگر کائنات تأمل کنیم این اندیشه ما را به نتیجه ای ناگزیر می رساند: اینکه قطعاً باید آفریدگار بزرگ و آگاه و دانا و حکیمی باید باشد؛ که این هستی را آفریده و آن را ابداع کرده، چرا که چنین آفریدگان بدون وجود خدایی که آن را به وجود آورده و امورش را به نظم آورده و خلقت آن را چنین شگفت آور انجام داده باشد امکان ندارد، و این امری است که الله جل و علا به شکلی واضح برای هر عاقلی تبیین نموده می فرماید:

(أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ)

{آیا از هیچ چیز آفرید شده اند یا آنکه خود خالق [خود] هستند؟}.

[طور: ۳۵]،

این کائنات خود، خود را به وجود نیاورده اند و بدون پدید آورنده ای نیز به وجود نیامده اند، چرا که این نزد عاقلان مستحیل است!

تنها الله شایسته عبادت است:

این پروردگار همان معبودی است که تنها خود شایسته بندگی است؛ زیرا اوست که همه آنچه در این هستی است را آفریده و تدبیر می کند، و همه موجودات آن را روزی می دهد؛ اوست که همه مردم را آفریده و از این زمین پدید آورده و اسباب زندگی را به آنان بخشیده است. الله تعالی می فرماید:

{ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ}

{ای مردم، آن است الله پروردگار شما که معبودی [به حق] جز او نیست، خالق هر چیز است پس او را عبادت کنید و او بر هر چیزی نگهبان است}

[انعام: ۱۰۲].

پس برای هر انسانی واجب است که تنها الله را عبادت کند، و در عبادتش چیزی شریک نیاورد. الله تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

{ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید}.

[بقره: ۲۱]،

و می فرماید:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾

{و الله را عبادت کنید، و چیزی را به او شریک نیاورید}.

[نساء: ۳۶].

دعوت پیامبران به توحید الله تعالی:

علی رغم وضوح این امر، الله عزوجل با فضل و کرمش و به سبب رحمتش به ما، ما را پس از آفرینش در زمین رها نکرده که کورکورانه زندگی کنیم، بلکه پیامبرانی را به سوی ما فرستاده و با آنها کتابهایی را نازل کرده تا از طریق آن، او را به ما معرفی کنند و ما را به سوی او هدایت نمایند. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾

{به راستی، ما تو را به حق بشارتبخش و بیم دهنده فرستادیم و [در نسل‌های گذشته نیز] هیچ امتی نبود، مگر آنکه میانشان بیم دهنده ای گذشته است}.

[فاطر: ۲۴].

آدم ابو البشر علیه السلام و همهٔ پیامبران از جمله نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و دیگر پیامبران تا پیامبر ما محمد - درود و سلام الله بر همهٔ آنان باد - بر یک اصل بزرگ اتفاق داشتند؛ و آن دعوت مردم به ایمان به الله تعالی، و توحید او، و عبادت او به یگانگی، و ترک عبادت دیگر معبودان از انسانها و سنگها و درختان و ستارگان و سیارها و غیره، الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

{و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] الله را عبادت کنید، و از طاغوت بپرهیزید}.

[نحل: ۳۶]،

پروردگار جل و علا می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾

{و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید}.

[انبیاء: ۲۵].

از نامها و صفات الله:

اله تعالی نامهایی نیکو و صفاتی والا دارد که با شناخت این نامها و صفات، شناخت ما از پروردگارمان سبحانه و تعالی، و محبت و خشیت و امیدمان به او، و فضل و کرمش بیشتر می شود. الله تعالی می فرماید:

{اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى}

{الله است که هیچ معبودی [به حق] جز او نیست [و] نیکوترین نامها از آن اوست}.

[طه: ۸].

و نامهای او که دال بر صفات اوست بسیار زیاد است، از نامهای الله تعالی:

- الرحمان (رحمت گستر) و الرحيم (مهربان): الله تعالی می فرماید:

{وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ}

{معبود شما معبودی یگانه است [که] جز او [هیچ] معبودی [به حق] نیست؛ رحمت گستر مهربان است}

[بقره: ۱۶۳]،

او دارای رحمت گسترده بزرگی است که همه چیز را در بر گرفته است، و همه مخلوقات را شامل شده است. رحمت

او در دنیا همهٔ آفریدگان را فرا گرفته است؛ حیوانات و انسان، مسلمان و غیر مسلمان. الله تعالی می فرماید:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾

{و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است}.

[اعراف: ۱۵۶]،

او به همهٔ آنان روزی می دهد و سلامتی و غذا و فرزند و دیگر چیزها را به آنان می دهد، اما رحمت او در آخرت تنها برای بندگان مؤمن اوست، که پیرو پیامبران او بوده اند. رحمت کامل او که به سعادت ابدی منتهی می شود تنها شامل آنان می شود.

- الخالق (آفریدگار): الله تعالی می فرماید:

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾

{الله آفریدگار هر چیزی است}.

[زمر: ۶۲]،

زیرا اوست که آسمان ها و زمین و هر آنچه بین آن دو است را آفریده، و همه چیز را از اتم تا کهکشان و فراتر از آن را او خلق کرده، و این خلقت نیز از روی حکمت و قدرت و احسان بوده، پس در آفرینش او هیچ نقص یا خلی نمی یابی.

- الغفور: آنکه همهٔ گناهان را برای کسی که صادقانه توبه کند می آمرزد، هرکاری در گذشته انجام داده باشد، بلکه بسیاری از بندگان را از روی کرم و بزرگوای اش می آمرزد

- مگر آنکه در عبادت الله تعالى مرتکب شرک شده باشند که این تنها با توبه بخشیده می شود. و الله تعالى دروازه اسباب را برای همه بندگان گشوده تا مورد مغفرت قرار گیرند؛ با توبه و با استغفار، و با ایمان و عمل صالح، و احسان به آفریدگان خداوند. الله تعالى می فرماید:

{وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى}

و {یقیناً من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته کند و آنگاه بر هدایت [خود باقی] بماند}.

[نجم: ۸۲].

- الرزاق (روزی دهنده): الله سبحانه و تعالى کسی است که ملکوت هرچیز به دست اوست، و اوست آن بی نیاز و از فضل خود بخشنده است، و مخلوقی نیست مگر آنکه روزی اش به دست الله است. الله تعالى می فرماید:

{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا * إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ}

{و جن و انس را فقط برای این آفریده ام که مرا عبادت کنند *}

و از آنها رزق و روزی نمی خواهم، و از آنها نمی خواهم که به من غذا بدهند *

بی گمان الله است که روزی دهنده است، [و او] قدرتمند استوار است}.

[ذاریات: ۵۶-۵۸].

- السلام: آنکه بزرگداشت شده پاک از هر عیب و از همه صفات نقص، که صفات کمال و جلال و جمال را داراست، و دوست دارد بندگان با گفتار و کردار سلام را افشا نمایند. الله تعالی می فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ﴾

{اوست الله، آنکه معبود [به حق] نیست جز او، فرمانروای پاک منزّه [و سالم از هر عیب]}

[حشر: ۲۳].

- العليم: الله تعالی شنوا و بینوا و آگاه است، و علمش همه چیز را در بر گرفته. او هر چیز علنی و پنهان، و هر آنچه در دلها پنهان است، و هرچه در گذشته بوده و در حال و آینده هست، و خواهد بود را می داند. و اوست آن مراقبی که بر اعمال بندگان مطلع است، و طاعت مطیعان و معصیت عاصیان، و نیاز ضعیفان و صدای دعاگویان از او پنهان نمی ماند. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

{همانا الله هر چیزی آگاه است}.

[بقره: ۲۳۱].

او سبحانه و تعالی پروردگار جهانیان است. کسی است که هر چه را آفریده به نیکی آفریده، و هر زیبایی و کمالی در این جهان از آثار کمال اوست.

اصل دوم: دینت چیست؟

دین من اسلام است:

و اسلام یعنی: تسلیم شدن در برابر الله با توحید، و فرمان بردن از او با طاعت، و برائت از شرک و اهل آن.

مسلمان کسی است که به دین اسلام وارد شده، و امر خود را به الله تعالی تسلیم کرده است، در حالی که به وجود و یگانگی الله ایمان دارد، و در برابر او امر او گردن نهاده، و از هر آنچه نهی کرده دوری می کند. الله تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾

{و چه کسی نیک آیین تر از کسی است که خود را تسلیم الله کرده و نیکوکار است، و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده است؟}.

[نساء: ۱۲۵]،

و می فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

{کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی الله دعوت کند، و به شایستگی عمل می نماید و می گوید: تسلیم [اوامر الهی] هستم؟}.

[فصلت: ۳۳].

از زیبایی های دین اسلام:

- اسلام دین عدل است: به عدالت با نزدیک و دور، و دشمن و دوست، و مومن و کافر فرا می خواند. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾

{همانا الله به عدالت فرمان می دهد}.

[نحل: ۹۰]،

و الله عزوجل آن داور دادگری است که نزد او به کسی ستم نمی شود، الله تعالی درباره روز قیامت می فرماید:

﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ﴾

{امروز هر کس در برابر آنچه کرده است، پاداش داده می شود. امروز هیچ ستمی در میان نیست}.

[غافر: ۱۷].

- اسلام دین رحمت است: الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

{و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان
نفرستادیم}.

[انبیاء: ۱۰۷]،

و پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

«الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ» «کسانی که مهربان هستند، الله مهربان به آنان رحم خواهد کرد، به اهل زمین رحم کنید، آنکه در آسمان است به شما رحم خواهد کرد»

به روایت ابوداود.

- اسلام دین محبت و همگرایی و الفت است: پیامبرمان
محمد - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ، حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» «هیچ یک از
شما ایمان نمی آورد تا آنکه برای برادرش همان چیزی را
دوست بدارد که برای خود دوست می دارد»

به روایت بخاری.

- اسلام دین آسانی است: تعالیم اسلام شامل آسانگیری و
رفع حرج است و این را هر که با این تعالیم آشنا باشد می داند.
الله تعالی می فرماید:

{يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ} [البقرة: 185]،

{الله برای شما خواهان آسانی است و برایتان دشواری
نمی خواهد} [بقره: ۱۸۵]،

و می فرماید:

{مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ}

{الله نمی خواهد بر شما دشواری قرار دهد}

[مائده: ۶]،

و می فرماید:

{لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا}

{الله هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد}

[بقره: ۲۸۶].

- اسلام دین علم است: زیرا نخستین آیه ای که نازل شد
این است:

{اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ}

{بخوان به نام پروردگارت که آفرید}.

[علق: ۱]،

و اسلام هر مرد و زن مؤمنی را به آموختن و افزودن بر
علم خود فرا خوانده است. الله تعالی می فرماید:

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

{و بگو پروردگارا بر من علم من بیفزای}.

[طه: ۱۱۴]،

آنکه علم آموخته درجات و الاتری دارد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾

{الله کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی که علم فرا گرفته اند، [بر حسب] درجات بلند گرداند}.

[مجادله: ۱۱].

جهانی بودن دین اسلام:

اسلام یک دین جهانی است، و مخصوص به یک بخش از زمین نیست یا یک قوم خاص نیست. اسلام تنها دین عرب نیست، بلکه دینی است برای همه مردم. الله تعالی در قرآن کریم پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - را چنین مورد خطاب قرار داده است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾

{بگو ای مردم، من فرستاده الله به سوی همه شما هستم؛ همان [پروردگاری] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن

اوست؛ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ پس به الله و فرستاده اش - آن پیامبر درس ناخوانده ای که به الله و سخنانش باور دارد ایمان بیاورید و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید}

[اعراف: ۱۵۸].

همچنان که مخصوص زمانی گذشته نیست، بلکه از بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تا روز قیامت تنها دین برحق است. الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

{و هر کس که دینی غیر از اسلام را برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است}

[آل عمران: ۸۵].

فراگیر بودن دین اسلام:

- اسلام منهج زندگی برای فرد مسلمان و جامعه مسلمان و امت مسلمان در همه جنبه ها و مجالهای زندگی است؛ در سیاست و اقتصاد و جامعه و دیگر عرصه ها.

- اسلام عقیده و شریعت است: هم عقاید صحیح را در خود دارد، و هم عبادات والا و معاملات حکیمانه، و اخلاق نیک و رفتار ساختارمند.

- تعالیم اسلام و احکام آن روابط انسان با پروردگارش، و روابط او با خودش، و با دیگر انسانها را منضبط می سازد، و حتی رابطه او با حیوانات و جماعات را نظام مند می سازد.

- تعالیم اسلام به صلاح روح و بدن پرداخته است.

به طور کلی: اسلام هر آنچه خیر مردم و صلاح و سعادت آنان در دنیا و آخرت را در پی دارد با خود آورده است.

بنیان های عقیده اسلامی (ارکان ایمان):

عقیده اسلامی در ایمان و باور قاطع به شش امر نمود می یابد، که آن را «ارکان ایمان» می نامیم. این شش رکن چنین است:

۱- ایمان به الله تعالی: یعنی ایمان به وجود الله، و اینکه تنها او خالق و مالک و تدبیرگر هستی با هر آنچه در آن است، و اینکه او به تنهایی متسحق عبادت است، و شریکی در عبادت ندارد، و به صفات جمال و جلال موصوف است، و کامل است و از هر عیب و نقصی منزّه است، و هیچی چیز مانند او نیست.

۲- ایمان به ملائکه: آنان آفریده ای از آفریده های الله تعالی هستند، که برای عبادت خود و پیروی کامل از اوامرش و انجام اعمالی که به آنها سپرده، آفریده شده اند. ما به شکل کلی به آنان ایمان می آوریم و همچنین به نام ها و صفات و کارهای آن دسته از ملائکه که وحی به تفصیل از آنها یاد کرده ایمان می آوریم؛ مانند جبرئیل که الله وحی را به واسطه او به

پیامبران می رساند، و میکائیل که مامور باران و رستن گیاهان است، و اسرافیل که مامور دمیدن در صور است، و ملک الموت که روح بندگان را می ستاند، و مالک که نگهبان دوزخ است.

۳- ایمان به کتابها: منظور کتابهایی است که الله بر پیامبرانش نازل کرده، و این از روی رحمت به آنان و برای هدایتشان بوده است، تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. ما به شکل کلی به این کتابها ایمان داریم و به آن کتابهایی که وحی از آنها نام برده به شکل تفصیلی ایمان می آوریم؛ مانند قرآن که بر محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل شده، و به انجیل که بر عیسی - علیه السلام - نازل شده، و به توراتِ نازل شده بر موسی - علیه السلام - و زبور که به داوود - علیه السلام - داده شده، و صُحُف که الله بر ابراهیم - علیه السلام - نازل نمود.

۴- ایمان به رسولان: آنان انسانهایی هستند که الله تعالی رهنمودهای خود را به آنان وحی کرده، و به سوی مردم فرستاده تا دینش را به آنان برسانند. اولین آنان نوح - علیه السلام - و آخرینشان محمد - صلی الله علیه وسلم - است. آنان در اوج دینداری و اخلاق بودند، و مهم ترین هدف بعثت آنان دعوت مردم به یگانگی خداوند متعال در عبادت و ترک شرک و عبادت دیگران، و انجام نیکیها و ترک منکر است.

بنابراین ایمان داریم که الله پیامبرانی را از میان بشر فرستاده است؛ و بر انسانها فرض کرده که اخبار آنان را

تصدیق نمایند، و او امرشان را اطاعت کنند. و می دانیم که الله برخی از آنان را با ذکر نام و داستانشان با اقوامشان معرفی کرده است، مانند ادریس و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و هود و صالح و شعیب، و از برخی دیگر نام نبرده است. الله تعالی می فرماید:

{وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ}

{پیش از تو نیز پیامبرانی فرستاده ایم که [سرگذشت] برخی از آنان را برایت حکایت کرده ایم و [سرگذشت] برخی دیگر را حکایت نکرده ایم؛ و هیچ رسولی نمی توانست بدون فرمان الهی معجزه ای ارائه کند؛ و آنگاه که فرمان الله [برای پاداش و کیفر] فرا رسد، به حق و عدالت دآوری خواهد شد و باطل اندیشان زیانکار خواهند بود}

[غافر: ۷۸].

۵- ایمان به آخرت: یعنی روز قیامت که الله در آن بندگان را برای حساب و پاداش اعمالی که در دنیا انجام داده اند برانگیخته می سازد؛ آنگاه مردم به دو دسته تقسیم می شوند، مومنان در بهشت مستقر می شوند و جاودانه در آن می مانند، و کافران در آتش دوزخ مستقر می شوند و تا ابد در آن می مانند. و آنکه مؤمن بوده اما مرتکب گناہانی شده یا الله تعالی

او را می آمرزد، یا مدتی به عذاب دچار می شوند، و سپس به بهشت وارد می شوند.

۶- ایمان به قدر، خیر و شر آن: مسلمان به این ایمان می آورد که الله آنچه بوده و آنچه خواهد بود را می داند، و الله مقادیر خلیق را نوشته و اراده نموده و سپس به وجودش آورده است، پس هیچ چیز در این هستی بدون علم او و تقدیر و مشیت و آفرینش او رخ نمی دهد، پس اگر خیر باشد رحمتی است از سوی الله تعالی برای او، و اگر جز آن بود ابتلا و آزمایش الهی یا مجازات اوست و بر اساس حکمت و عدل الهی بوده است که به سبب بزرگی و کمالش بشر را توان احاطه بر آن نیست. و اگر بنده به تقدیر - خیر و شرش - ایمان بیاورد دلش آرام یابد و روحش آسوده شود، و همه کارهایش را به الله تعالی بسپارد؛ زیرا او می داند که همه چیز تنها به دست الله است، هر چه بخواهد می شود و هر چه نخواهد نمی شود.

ارکان اسلام:

ارکان اسلام بنیان هایی است که اسلام بر آن بنا شده است. و پنج رکن است که مسلمان باید انجامش دهد:

۱- گواهی دادن به اینکه: معبودی به حق نیست جز الله، و اینکه محمد فرستاده الله است (لا اله الا الله، محمدا رسول الله): و این شهادتی است که با زبان گفته می شود، در حالی که دل با آن موافق است، مبنی بر اینکه الله همان معبود راستین یگانه

است که شریکی ندارد، و اینکه محمد ﷺ فرستاده ای است که از سوی الله پیامهای او را می رساند.

۲- برپا داشتن نماز: بر مسلمان واجب است که در شبانه روز پنج نماز را به جا آورد، نمازی که دارای قیام و رکوع و سجده است؛ و این نماز برای بزرگداشت الله تعالی است، و اوقاتی دارد که هر نماز بر اساس همان وقت نامگذاری شده: نماز صبح، و نماز ظهر، و نماز عصر، و نماز مغرب، و نماز عشا، و نمازهایی دیگر نیز هست که واجب نیست.

۳- دادن زکات: مسلمان بخش اندکی از مالش را خارج می سازد، و آن را به مستحقانش از جمله فقرا، و بینوایان، و دیگر کسانی که زکات به آنان داده می شود می بخشد.

۴- روزه رمضان: مسلمان به قصد عبادت الله از طلوع فجر تا غروب خورشید در روزهای ماه رمضان؛ از خوردن، و نوشیدن، و جماع، و دیگر باطل کننده های روزه، خودداری می کند.

۵- حج خانه کعبه: یعنی رفتن مسلمان به مکه مکرمه؛ برای انجام شعایر حج، به هدف عبادت الله تعالی حتی اگر یک بار در عمر باشد، و این برای کسی است که توانایی آن را داشته باشد.

عبادت در اسلام:

عبادت یعنی: توحید الله تعالی و نزدیک ساختن خود به او با هر چه او دوست دارد و باعث خشنودی اوست، از جمله گفتارها و اعمال آشکار و پنهان.

- از جمله گفتارها: خواندن قرآن، و دعا، و ذکر الله، و آموزش علم نافع، و نصیحت دیگران، و دیگر گفته های نیک است.

- و از جمله اعمال: طهارت و نماز، و حج، و تلاش در رفع حاجات دیگران، و دیگر اعمال است.

- اعمال ظاهر اعمالی است که آشکار است و دیده یا شنیده می شود و مانند آن؛ همانند نماز، و حج، و قرائت قرآن، و دعوت به سوی الله، و رابطه با خویشاوندان.

- و اعمال باطنی، اعمالی است که در دل است؛ مانند محبت الهی، و امید و خشیت او، و خشوع، و توکل بر الله تعالی.

اهمیت عبادت در اسلام:

عبادت الله تعالی همان هدفی است که الله برای آن انسانها را آفریده. الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

{و جن و انس را فقط برای این آفریده ام که مرا عبادت کنند}.

[ذاریات: ۵۶].

عبادت برای حکمتهایی بس بزرگ و مصلحت‌هایی بسیار مشروع شده، که در درون مردم و زندگی شان محقق می شود. از جمله فضایل عبادت این است که باعث تزکیه و پاکی نفس می شود، و آن را به بالاترین درجات کمال انسانی می رساند.

انسان به شدت نیازمند عبادت است و همانطور که بدن او به آب و غذا محتاج است، دل و روح او نیز نیازمند این است که با عبادت به الله روی آورد؛ جان بدون ذکر الله و عبادتش آرام نمی یابد، و دل شاد نمی شود و سینه فراخ نمی گردد مگر با نزدیکی به الله تعالی و ارتباط نیکو با او، و عابدان حقیقی خوشبخت ترین مردم و سینه گشاده ترین آنان هستند، هر که سعادت می خواهد، تنها به آستان بندگی الله پایبند باشد.

فراگیری عبادت در اسلام:

عبادت در اسلام همه کارهای نیکی که الله دوستش دارد، و باعث نزدیکی به او عزوجل می شود را در بر می گیرد. از جمله:

- شعائر تعبدی مانند نماز، و زکات، و روزه، و حج، و قرائت قرآن، و دعا، و ذکر الله تعالی، و دیگر عبادات.

- و رفتارهای نیک: مانند نیکی به پدر و مادر، و صلۀ رحم، و رفتار نیک با همسر و فرزندان، و نیکوکاری در خرید و فروش، و به خوبی انجام دادن کارها، و نیکی در حق همسایه، و کمک کردن به بینوایان، و مهربانی با حیوانات، و دیگر کارها.

- همینطور اخلاق نیک را شامل می شود: مانند راستی در گفتار، و امانتداری، و وفای به عهد، و لبخند، و سخن نیک، و حیا، و دیگر اخلاق های نیک.

مسلمان در همه حال عبادت الله را به جا می آورد؛ در مسجد، و در خانه، و در محل کار، و در هر جایی، زیرا زندگی او همه اش برای الله است. الله تعالی می فرماید:

{قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}

{بگو: بی گمان نمازم، و عبادت [و قربانی] من، و زندگی و مرگ من، همه برای الله پروردگار جهانیان است}.

[انعام: ۱۶۲].

اصل سوم: پیامبرت کیست؟

پیامبرم محمد - صلی الله علیه و سلم - است:

پیامبر ما محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم است، و نسب او به پیامبر الله، اسماعیل فرزند پیامبر الله، ابراهیم علیهما السلام می رسد.

الله او را در حالی که چهل سال داشت در مکه به پیامبری مبعوث کرد، و قرآن را بر او نازل کرد. و ایشان مردم را به توحید و دین اسلام فرا خواند، و به دست قوم خود مورد بدترین آزارها قرار گرفت، و یاران ایشان نیز شکنجه شدند و برخی کشته شدند، سپس پس از سیزده سال به شهر یثرب مهاجرت نمود (که بعداً مدینه نبوی نام گرفت)، و حکومت اسلامی را آنجا پایه گذاری کرد، و ده سال آنجا ماند، و به ارشاد و هدایت و دعوت و تعلیم گذراند، و به این کار ادامه داد تا آنکه شریعت کامل شد، و اسلام به کمال رسید. و این سخن الله تعالی نازل شده که:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

{امروز دینتان را برایتان کامل ساختم، و نعمتم را بر شما به کمال رساندم، و برای شما اسلام را (به عنوان دین) پسندیدم}.

[مأئده: ۳].

سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پس از آنکه چشمانشان با دیدن اینکه مردم دسته به دسته از روی محبت و به خواسته خود وارد اسلام می شوند روشن شد، از دنیا رفتند، آنطور که الله تعالی می فرماید:

{إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا}

{هنگامی که یاری الله و پیروزی فرا رسد (۱)}

و ببینی که مردم گروه گروه در اسلام وارد می شوند (۲)
پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش
بخواه؛ همانا او بسیار توبه پذیر است}

[نصر: ۱-۳].

پیامبر رحمت:

پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - پیامبر رحمت است، و
در همه سیرت او و همه مراحل زندگی و احوالشان رحمت
از ایشان جدا نشده است. الله تعالی می فرماید:

{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ}

{و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان
نفرستادیم}.

[انبیاء: ۱۰۷].

از رحمت او - صلی الله علیه وسلم - بود که ایشان به
هدایت مردم و خارج ساختن آنان از تاریکی ها کفر و جهل و
گمراهی به نور ایمان و علم و هدایت بسیار حریص بودند، و
هنگامی که قومشان ایمان نیاوردند نزدیک بود که از شدت
غم و اندوه به سبب ایمان نیاوردنشان جان خود را از دست
بدهند. الله تعالی می فرماید:

{فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا}

{پس [ای پیامبر،] نزدیک است اگر [قومت] به این سخن
[= قرآن] ایمان نیاورند، در پی [بی ایمانی] آنان، خود را [از
تأسف و اندوه] هلاک کنی}.

[کهف: ۶].

همینطور معانی رحمت در اهمیتی که ایشان برای مؤمنان
قائل بودند و رافتشان در حق آنان نمود می یابد. الله تعالی می
فرماید:

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ)

{یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج
دیدنتان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت
اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است}.

[توبه: ۱۲۸]،

و در حرص ایشان بر آسان سازی دین و مکلف نساختن
امت به آنچه برایشان دشوار است، و نمی توانند انجامش دهند.
ایشان - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «آسان بگیرید و
دشوار نگیرید، و بشارت دهید و متنفّر نسازید. به روایت
بخاری و مسلم.

نفس پیامبر بزرگوار آکنده از رحمت بود، و ایشان مهربان
ترین مردم برای زنان و کودکان بودند. یکی از اصحاب
ایشان یعنی انس بن مالک - رضی الله عنه - می گوید: «کسی

را ندیدم که برای خانواده مهربان تر از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باشد» به روایت مسلم.

رحمت ایشان - صلی الله علیه وسلم - تنها محدود به انسانها نبود، بلکه به حیوانات هم می رسید. ایشان به نیکی در حق حیوانات فرا خواند، و از آزار رساندن به آنان بر حذر داشت. و به اصحابشان بیان کرد که زنی فاحشه از بنی اسرائیل به سبب آنکه به سگی آب داده بود مورد مغفرت الله قرار گرفت و بهشتی شد، و زنی دیگر برای این دوزخی شد که گربه ای را زندان کرد و به آن غذا نداد تا مرد.

پیام و رسالت او [یعنی اسلام] عمومی و متوجه همه مردم است:

همه پیامبران و رسولان پیشین - درود و سلام بر آنان باد - تنها به سوی اقوام خود فرستاده شده بودند، اما پیامبر محمد - صلی الله علیه وسلم - رسالت برای همه مردم در همه دورانها و مکانهاست.

الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾

{و ما تو را نفرستادیم مگر بشارتگر و هشدار دهنده برای همه مردم}.

[سبأ: ۲۸]

و الله تعالی می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾

{بگو ای مردم، من فرستاده الله به سوی همه شما هستم}.

[اعراف: ۱۵۸].

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

« وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً »
« [هر] پیامبر مخصوصا به سوی قوم خود فرستاده می شد،
و من به سوی همه مردم مبعوث شده ام »

بخاری آن را روایت کرده است.

بنابر این برای هر انسانی از زمان بعثت ایشان - صلی الله علیه وسلم - تاکنون و تا قیام قیامت واجب است که از ایشان پیروی کند و به آنچه آورده باور داشته باشد، و به دین ایشان درآید. زیرا الله با ایشان رسالت های آسمانی را به پایان رسانده، و طاعتشان را واجب ساخته، پس هر که از ایشان اطاعت کند در دنیا سعادتمند می شود و در آخرت به بهشت وارد شود، و کسی که معصیت او کند در دنیا نگون بخت شده، و در آخرت دوزخی می شود. الله تعالی می فرماید:

﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هَذَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (123) وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾

{پس هر که از رهنمود من پیروی کند نه گمراه می شود

و نه نگون بخت (۱۲۳)}

و کسی که از یاد من رویگردان شود، یقیناً زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برمی انگیزیم}.

[طه: ۱۲۳، ۱۲۴].

منش پیامبر - صلی الله علیه و سلم - درخانه شان و

همراه با خانواده شان:

خانه انسان همان جایی که اخلاق نیک واقعی و کمال ادب و معاشرت نیکویش آنجا نمایان می شود. هنگامی که انسان نزد همسر یا فرزندان یا خدمتکار خود هست بر اساس همان اخلاق واقعی خود و بدون تکلف رفتار می کند.

و کسی که در حال پیامبر امت اسلام و فرمانده و مربی آنان - صلی الله علیه و سلم - بیندیشد خواهید دید که ایشان زیباترین نمونه ها را برای آنچه یک مرد نجیب باید در خانه و همراه با خانواده و فرزندان باشد، تقدیم ما کرده است.

از همسر پیامبر، عایشه - رضی الله عنها - پرسیدند که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در خانه چکار می کرد؟ فرمود:

«كَانَ يَكُونُ فِي مَهْنَةِ أَهْلِهِ - تَعْنِي خِدْمَةَ أَهْلِهِ - فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ» «او در خدمت خانواده اش بود، پس چون وقت نماز می شد برای نماز بیرون می رفت»

امام مسلم آن را روایت کرده است.

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بهترین مردم برای خانواده اش و همسرانش بود، و جلوه هایی زیبا را در معاشرت نیکو و نرمش و شناخت رغبت های عاطفی و روانی همسر به نمایش گذاشتند، و هر مناسبتی را برای خوشحال کردن ایشان به کار میبردند. عایشه - رضی الله عنها - می فرماید:

«لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا عَلَى بَابِ حُجْرَتِي وَالْحَبَشَةُ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتُرْنِي بِرِدَائِهِ، أَنْظُرُ إِلَى لَعِبِهِمْ» «رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را به یاد دارم که روزی بر در حجره من بودند در حالی که حبشیان در مسجد بازی می کردند، و ایشان - صلی الله علیه وسلم - مرا با ردای خویش ستر کرده بودند، و من بازی آنان را می نگریستم».

به روایت بخاری و مسلم.

و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دخترانش را دوست داشت و آنان را گرامی می داشت؛ هرگاه دختر ایشان فاطمه وارد می شد برایش بلند می شد و ایشان را می بوسید و در جای خود می نشاند، و همواره به دیدار دخترانش می رفت و احوالشان را جویا می شد.

از جمله وصیت های ایشان خطاب به امتشان این بود که فرمودند:

«استوصوا بالنساء خیرًا» «درباره زنان، همدیگر را به نیکی سفارش کنید»

به روایت بخاری و مسلم.

از جمله اخلاق پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم:

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیکو اخلاق ترین مردم، و از نظر ادب بهترین آنان بود. و الله تعالی ایشان را چنین وصف کرده اند:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾

{و یقیناً تو اخلاق بسیار نیکو و والایی داری}.

[قلم: ۴]،

ایشان در اخلاق از کمالاتی برخوردار بود که هیچ کس دیگری نمی توانست به آن برسد، به طوری که از هر نقصی در امان بودند، و از هر فضیلتی به کمال آن دست یافتند و اخلاق ایشان قرآن بود، با آن ادب می آموخت، و با آن مردم را ادب می کرد، و از جمله اخلاق ایشان - صلی الله علیه وسلم - این بود که:

- ایشان شکیباترین، و عادل ترین، و با عفت ترین، و سخاوتمندترین و کریم ترین مردم بود.

- و با حیاترین مردم بود.

- ایشان متواضع بودند و دعوت هر کسی را می پذیرفتند، و هدیه را اگر چه کم بود قبول می کردند، و آن را جبران می کردند.

- ایشان به عیادت بیماران می رفت، و در تشییع جنازه ها شرکت می کرد، و با فقیران همنشین می شد، و با بینوایان غذا می خورد، و اهل فضل و صاحبان اخلاق را گرامی می داشت، و بزرگان و صاحبان شرف را نزدیک می داشت، و جایگاهشان را حفظ می کرد.

کسی به نزد او نمی آمد مگر آنکه برای رفع نیازش به او یاری می کرد. ایشان تندخو نبودند، و بدی را با بدی پاسخ نمی گفتند، اما می بخشیدند و در می گذشتند، مگر آنکه حرمت های الهی زیر پا نهاده می شد، که در این صورت برای الله خشمگین می شدند؛ نه برای خود.

- از جمله اخلاق ایشان این بود که نخست سلام می گفت، و اگر کسی از اصحاب را ملاقات می کرد با ایشان مصافحه می کرد. (دست می داد).

- و اگر کسی نزد ایشان می نشست به ایشان رو می کرد، و سخنش را به خوبی می شنید، و به نیکی با او سخن می گفت.

ایشان مهربان ترین مردم، و بهترین و سودمندترین برای مردم بودند.

- شوخی می کردند اما جز حق نمی گفتند، بسیار تبسم می کردند و بدون قهقهه می خندیدند، و با همسران خود مسابقه می دادند و به آنان لطف می ورزیدند.

- هر آنچه حاضر بود را می خوردند، و غذایی که موجود بود را رد نمی کردند، و عیب غذا را نمی گرفتند. اگر خرما بود می خوردند، و اگر گوشت بود می خوردند، و اگر نان گندم و جو بود می خوردند، و اگر شیرینی یا عسل بود می خوردند، و اگر شیر بدون نان بود به همان شیر اکتفا می کردند، و اگر هندوانه یا رطب می یافتند می خوردند.

- ایشان هر آنچه در اختیار بود می پوشیدند، گاه شمله، و گاه جبه پشمی، و هر لباس مباحی می یافتند، می پوشیدند.

- ایشان هر مرکبی را که می یافتند سوار می شدند، گاه اسب، و گاه شتر، و گاه قاطر، و گاه الاغ، یا پیاده می رفتند.

- وقت ایشان در غیر تلاش برای الله، یا در غیر آنچه برای امور خودشان و خانواده شان لازم بود نمی گذشت.

و دیگر اخلاق فاضله و معاشرت نیکو، صلی الله علیه وسلم.

پایان

اسلام دینی است بس بزرگ، که برای فرد - در صورت پیروی از تعالیم اسلام - آسایش و زندگی پاک و حال نیکو در دنیا و رفاه و سعادت ابدی در آخرت را محقق خواهد ساخت، و همینطور برای جامعه مسلمانانی که به تعالیم آن پایبند باشد، پیشرفت و رشد، و همگرایی اجتماعی، و امنیت را فراهم خواهد کرد.

به شمایمی که به اسلام هدایت یافته اید این نعمت بس گرامی را تبریک می گوئیم، و لازم است که عقیده و شریعت و تعالیم و احکام و اخلاق و آداب اسلام را بیاموزید، و آن را در خود پیاده سازید و در همه جوانب زندگی تان به قدر توان به آن پایبند بمانید، آنجاست که انسان اثر اسلام را بر خود خواهد دید و اینکه چگونه او را به انسانی درستکار تبدیل خواهد کرد، که خوشبخت است و باعث خوشبختی نزدیکانش از جمله والدین و همسر و فرزندان و نزدیکان و همسایگان و دوستانش و هر کسی می شود که با این مسلمان تعامل دارد. مسلمانی که خداوند او را با وارد شدن به دینش و پای گذاشتن در راهش گرامی داشته است.

این کتابچه آغاز راه تو در آموختن احکام دین است و سپس باید برای کسب بیشتر علم نافع و عمل صالح و تزکیه نفس و اصلاح دل تلاش کنی، و هر چه علمت به اسلام و عمل به آن بیشتر شود به پروردگار گرامی نزدیکتر می شوی، پس قرآن بیاموز و بخوان و در آیات آن بیندیش و سیرت رسول الله محمد - صلی الله علیه وسلم - را مطالعه کن، زیرا او الگوی توست که در این زندگی باید ایشان را سرمشق خود قرار دهی، و او تنها کسی است که خداوند تو را امر کرده تا هر آنچه آورده را بپذیری، اما دیگر انسانها در هر منزلتی که باشند سخنانشان تا وقتی که موافق با قرآن و سنت باشد پذیرفته می شود، و اگر مخالف آن باشد پذیرفته نمی شود، و از جدل در دین و بگومگو و اختلاف با برادران مسلمانان دوری کن.

از الله برای خود و شما توفیق و پایداری بر این دین را تا
هنگام دیدارش خواهیم. ستایش از آن الله پروردگار جهانیان
است، و درود و سلام بر پیامبر ما محمد و بر همه آل و
اصحاب ایشان، و همه کسانی باد که تا روز قیامت از او
پیروی کنند.

فهرست

2	اولین روز من در اسلام.....
2	مقدمه.....
4	:پیش در آمد.....
4	:اسلام همان دین حق است.....
5	اما انسان چگونه اسلام بیاورد؟.....
6	:معنای شهادتین (اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا رسول الله)
7	:برای مسلمان شدن، بشارت باد.....
7	:شادی برای نعمت اسلام.....
8	:اصولی که باید دانست.....
9	:اصل نخست: پروردگارت کیست؟.....
9	:پروردگار من الله است.....
10	:تنها الله شایسته عبادت است.....
11	:دعوت پیامبران به توحید الله تعالی.....
13	:از نامها و صفات الله.....
17	:اصل دوم: دینت چیست؟.....
17	:دین من اسلام است.....
18	:از زیبایی های دین اسلام.....
21	:جهانی بودن دین اسلام.....
22	:فراگیر بودن دین اسلام.....
23	:بنیان های عقیده اسلامی (ارکان ایمان).....
26	:ارکان اسلام.....
28	:عبادت در اسلام.....
28	:اهمیت عبادت در اسلام.....

- 29فراگیری عبادت در اسلام
- 30اصل سوم: پیامبرت کیست؟
- 30پیامبرم محمد - صلی الله علیه و سلم - است
- 32پیامبر رحمت
- 34پیام و رسالت او [یعنی اسلام] عمومی و متوجه همهٔ مردم است ..
- منش پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در خانه شان و همراه با خانواده
- 36شان
- 38از جملهٔ اخلاق پیامبر ما محمد صلی الله علیه و سلم
- 40پایان